

EU Refugee Crisis in the Mirror of the European Court of Human Rights

(Type of Paper: Research Article)

Fereshteh Sadat Hosseini¹, Reza Nassiri Larimi^{1*}, Karan Rohani²

Abstract

The European Court of Human Rights (ECtHR), with substantial supports for asylum seekers, has been a diligent advocate of the asylum seekers' human rights. The refugee crisis that has gripped the EU since 2011 has challenged the Common European Union Asylum System. This paper, through a descriptive-analytical method, aims to answer the question to what extent the refugee crisis affected the ECtHR interpretation of the European Human Rights Convention concerning asylum seekers? Therefore, four areas of human rights were analyzed, which are prohibition of torture and inhuman treatment (article 3 of the Convention), family reunification (article 8 of the Convention), the right of freedom and security (article 5 of the Convention), and the prohibition of collective expulsion (article 4 of Protocol no.4). The results illustrated that the refugee crisis made the ECtHR increase the scope of its interpretation concerning the asylum seekers' human rights and demonstrated the conflict between human rights and the Common European Asylum System. Moreover, the member states must respect the human rights of asylum seekers when implementing the Common European Union Asylum System and, in the event of a possible breach, cease the implementation of the Common European Union Asylum System.

Keywords

ECtHR., ECHR., refugee crisis, asylum seekers, the EU.

1. Ph.D. student in International Law, Department of International Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Email: hosseiny2012@yahoo.com
 2. Assistant professor, Department of International Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author). Email: reza_nasiri_larimi@yahoo.com
 3. Assistant professor, Department of International Law, Qaemshahr Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran. Email: karanrohani@yahoo.com
- Received: May 11, 2020- Accepted: October 26, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

بحران پناهندگی اتحادیه اروپا در آیین دیوان اروپایی حقوق بشر

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

فرشته سادات حسینی^۱، رضا نصیری لاریمی^۲، کارن روحانی^۳

چکیده

دیوان اروپایی حقوق بشر از طریق حمایت‌های اساسی برای پناهجویان مدافعی پرتلاش از حقوق بشر پناهجویان بوده است. بحران پناهندگی که از سال ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا را درگیر کرده، سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا را به چالش کشیده است. در این پژوهش تلاش شده به روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی تفاسیر دیوان در بحران پناهندگی به این پرسش پاسخ داده شود که بحران پناهندگی چه تأثیری بر تفاسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از کاربرد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قبال پناهجویان داشته است؟ بدین ترتیب چهار حوزه اساسی حقوق بشر بنیادین پناهجویان یعنی منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۳ کنوانسیون)، همبستگی مجدد خانواده (ماده ۸ کنوانسیون)، حق آزادی و امنیت (ماده ۵ کنوانسیون)، و منع اخراج دسته‌جمعی (ماده ۴ پروتکل شماره ۴) بررسی شد. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که بحران پناهندگی برای دیوان اروپایی حقوق بشر مجال فراهم ساخت تا حوزه تفاسیر حقوق بشر پناهجویان را گسترش دهد و تداخلات سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا و حقوق بشر را آشکار سازد. همچنین دول عضو هنگام اجرای سیستم پناهندگی مشترک باید به حقوق بشر پناهجویان احترام بگذارند و در صورت احتمال نقض آن، اجرای سیستم پناهندگی مشترک را متوقف سازند.

کلیدواژگان

اتحادیه اروپا، بحران پناهندگی، پناهجویان، دیوان اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق بین‌الملل، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
Email: hosseiny2012@yahoo.com
۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).
Email: reza_nasiri_larimi@yahoo.com
۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.
Email: karanrohani@yahoo.com

مقدمه

با تاسیس شورای اروپایی در سال ۱۹۴۹، به قصد وحدت بیشتر بین اعضا و به منظور جلوگیری از کشتارها و فجایع رخ داده هنگام جنگ جهانی دوم در اروپا، دولت‌های اروپایی در راه حمایت از حقوق بشر گام برداشتند (میری لواسانی، ۱۳۸۷: ۹۰). بدین ترتیب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ در سال ۱۹۵۰ تدوین و در سال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد (سادات اخوی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). براساس ماده ۱۹ کنوانسیون، دیوان اروپایی حقوق بشر^۲، یکی از نهادهای مسئول نظارت اجرای تعهدات کشورهای امضاکننده آن است که از سال ۱۹۹۸ به تنها نهاد مسئول در این زمینه تبدیل شده است (European Court of Human Rights, Council of Europe, 1998: 1). کنوانسیون با گذشت بیش از هفتاد سال از تصویب آن، یک سند به‌روز در حوزه حقوق بشر بوده و نقش بسیار مهمی در توسعه و تحول حقوق بشر بین‌المللی داشته است. این امر مرهون پروتکل‌هایی است که از زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون تاکنون در مواجهه با مسائل گوناگون به آن منضم شده است (عبدی و زمانی، ۱۳۹۶: ۱۰۴). یکی از مسائلی که حقوق مندرج در کنوانسیون را در بوته آزمون قرار داده، وقوع بحران پناهندگی از سال ۲۰۱۱ در اتحادیه اروپا است. بسیاری از پناهجویان از طریق طرح دعوا در دیوان، جنبه‌های مختلف سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا را براساس مفاهیم حقوق بشر مندرج در کنوانسیون به چالش کشیدند. بدین ترتیب برای دیوان مجالی فراهم شد که تفاسیر پویایی از مفاهیم کنوانسیون در زمینه حقوق پناهندگی ارائه دهد. ویلدهابر، رئیس سابق دیوان تأکید می‌کند که استفاده از تفسیر پویا، برای حفظ کارایی و اثرگذاری نظام کنوانسیون و اقتدار دیوان، ضروری است. تفسیر پویا امکان انعطاف‌پذیری و تغییر مقررات را در فضایی که به‌سرعت در حال تغییر است، فراهم می‌کند (محبی و سماوی، ۱۳۹۷: ۱۵). بنابراین دیوان به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهد در مواجهه با مسائل و موضوعات روز، برداشتی را از مقررات کنوانسیون ارائه کند که شش دهه پیش مورد قبول متعاهدین بوده است. تفسیر پویای کنوانسیون، ابزاری است که معنای حقوق مندرج در کنوانسیون را مؤثر و به‌روز نگه می‌دارد (محبی و سماوی، ۱۳۹۷: ۱۱). بدین ترتیب هدف از این پژوهش آشکار کردن توسعه حقوق بشر در بحران پناهندگی و نقض‌های حقوق بشر ارتكابی دول عضو اتحادیه اروپا از طریق بررسی تفاسیر دیوان در آرای خود است. به همین دلیل در بعضی موارد باید از آرای پیش از بحران پناهندگی شروع کرد و به پرونده‌های بعد از آن و سال‌های اخیر رسید، تا بتوان چشم‌انداز بلندمدت تفاسیر دیوان و تفاوت آن را آشکار کرد. بنابراین در این مجال به روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به نقش کنوانسیون در قوانین اتحادیه

۱. از این پس کنوانسیون

۲. از این پس دیوان

اروپا پرداخته شده و سپس تفاسیر دیوان در چهار حوزه منع شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز، حق زندگی خانوادگی و خصوصی، حق آزادی و امنیت، منع اخراج دسته‌جمعی بررسی شده است. تا بتوان با تحلیل تفاسیر دیوان به این پرسش پاسخ داد که بحران پناهندگی اتحادیه اروپا چه تأثیری بر تفاسیر دیوان از کاربرد کنوانسیون در قبال پناهجویان داشته است.

نقش کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قوانین اتحادیه اروپا در قبال پناهجویان

با پذیرش معاهده لیسبون در سال ۲۰۰۹ و اجرایی شدن آن، تغییرات اساسی در اتحادیه اروپا رخ داد. طبق این سند، معاهده سابق اتحادیه اروپا (معاهده ماستریخت ۱۹۹۲)، از بسیاری جهات تغییر کرد و شامل قواعد اساسی و بنیادین اتحادیه اروپا شده و به معاهده جدید اتحادیه اروپا موسوم شد (فرخی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹). بدین ترتیب کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید به‌طور مستمر حقوق بشر و حمایت از اقلیت‌ها را براساس معاهده جدید اتحادیه اروپا تضمین کنند (Conditions for membership, European Commission, 2016: para 3). حقوق بشر در گفتمان حقوق پناهندگی همزمان با توسعه گسترده در سیاست پناهندگی اروپا وارد شده است. طبق ماده (۳) ۶ معاهده اتحادیه اروپا، هنگام تدوین مقررات اتحادیه اروپا باید کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نیز اعمال کرد. به همین دلیل کنوانسیون به پیمان ماستریخت اضافه شد. پیمان ماستریخت، توسعه و تحکیم دموکراسی و حکومت قانون و احترام به آزادی‌های اساسی را از اهداف سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا قرار داده است (الوندی، کیانی، ۱۳۹۳: ۳۸). در سال ۲۰۰۹ همراه با پیمان لیسبون، منشور حقوق بنیادین که در سال ۲۰۰۰ تنظیم شده بود، لازم‌الاجرا شد. قانون اتحادیه اروپا شامل منشور حقوق بنیادین است، که موازی مقررات کنوانسیون است. طبق ماده ۵۳ منشور، حوزه تفسیر منشور نباید اثر محدودکننده یا منفی بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در کنوانسیون داشته باشد (Charter of Fundamental Rights of the European Union, 2000: 21&8). آنچه از بطن کنوانسیون و رویه قضایی مربوط به آن بیرون می‌آید، ضرورت برقراری توازن میان منافع عمومی جامعه و حقوق بنیادین افراد است. از این رو به‌نظر می‌رسد که جست‌وجوی توازن منصفانه میان اقتضانات منافع جمعی و الزامات حقوق فردی جزء ذاتی و لاینفک کنوانسیون به‌مثابه یک کل است (بیات‌کمیتکی و بالوی، ۱۳۹۶: ۳۲۸). پناهجویان نیز افرادی هستند که مشمول حمایت کنوانسیون قرار می‌گیرند. منبع اولیه در خصوص حقوق پناهندگان، کنوانسیون ژنو ۱۹۵۱ به‌همراه پروتکل ۱۹۶۷ آن است، که برای اولین بار تعریف واحدی از پناهندگان، مستقل از هرگونه طبقه خاصی از افراد ارائه کرد. طبق ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱، پناهندگان، دایره شمول تعریف پناهنده به‌طور کلی، دامنه گسترده‌ای از افرادی را در برمی‌گیرد که به‌علت

ترس موجه از آزار به علل نژادی، مذهبی، ملیتی، یا عضویت در گروه اجتماعی خاص یا دارا بودن عقیده سیاسی معینی، در خارج از کشور خود به سر می‌برند و به علت ترس مذکور قادر یا مایل به جلب حمایت دولت موردنظر نیستند (کنوانسیون پناهندگان، ۱۹۵۱، ماده ۱، بند ۲). بر این اساس شخصی را که درخواست پناهندگی می‌دهد، پناه‌جو می‌نامند. پناه‌جو در دولت میزبان ممکن است با سه وضعیت روبه‌رو شود: اول پناهندگی، دوم حمایت جایگزین (هر دو به‌عنوان حمایت بین‌المللی به موجب قوانین اتحادیه به رسمیت شناخته می‌شوند) و سوم وضعیت حمایت بشردوستانه (حمایت ملی اعطاشده به مهاجرانی که شرایط لازم برای دو مورد اول را کسب نمی‌کنند، اما مجاز به اقامت در کشور میزبان بنا به دلایل بشردوستانه‌اند) (کدخدایی و رستمی، ۱۳۹۸: ۲۵). افزایش همکاری کشورهای اروپایی در حوزه پناهندگی طی دهه‌های گذشته به تشکیل سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا منجر شده است. این سیستم از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون با توجه به موج‌های گسترده پناهجویان به‌سوی اتحادیه اروپا تغییر و تحولات فراوانی داشته است (داشاد و مختارزاده، ۱۳۹۸: ۵۷). با بحران پناهندگی در سال ۲۰۱۱، اتحادیه اروپا با دو موج اصلی ورود پناهجویان مواجه شد. گروهی که از کشورهای آسیایی و خاورمیانه اغلب از مسیر ترکیه و دریای مدیترانه وارد یونان شدند و گروهی که از کشورهای آفریقایی از طریق لیبی وارد ایتالیا شدند و پس از بسته شدن این دو مسیر از مراکش به سمت اسپانیا رفتند (Andrey & Kravets, 2016: 36). پناهجویانی که به اروپا رسیدند، با دو رژیم حقوقی یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا روبه‌رو بودند. ۴۵ کشور اروپایی به‌همراه روسیه و ترکیه اعضای شورای اروپایی^۱ و عضو کنوانسیون هستند.^۲ ۲۷ کشور در شورای اروپایی عضو اتحادیه هستند.^۳ مقررات دوبرلین بخشی از سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپاست که پناهجویان را از انتخاب کشوری که تمایل دارند بدان درخواست پناهندگی دهند، باز می‌دارد (Regulation (EU) No.604/2013 of the European Parliament and of the Council, 2013). در مقابل رشد ناراضی‌ت‌ها از سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا، پس از آغاز بحران پناهندگی در

۱. همه کشورهای اروپایی به‌جز بلاروس عضو شورای اروپایی هستند. اطلاعات در این مورد قابل ملاحظه در: "Our Member States", Council of Europe, the council of Europe in brief, at: <https://www.coe.int/en/web/about-us/our-member-states> (last visited:02/28/2020),
 ۲. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ۱۹۵۰ امضا و در ۱۹۵۳ اجرایی شد و از طریق ۱۷ پروتکل اصلاح شده و توسعه یافته است. در حال حاضر ۴۷ کشور عضو کنوانسیون هستند. فهرست کشورهای امضاکننده قابل دسترسی در: "Chart of signatures and ratifications of Treaty 005", Council of Europe, Treaty Office, at: <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/005/signatures?pauth=h3q1InPT> (last visited:02/28/2020)
 ۳. با توجه به اعلام رسمی انگلستان به خروج از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰، تعداد کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا به ۲۷ رسیده است.

سال ۲۰۱۱، پناهجویانی که به واسطه این سیستم حقوقشان تضییع شد، به دیوان شکایت کردند و دیوان را آخرین ملجأ و پناهگاه برای احیای حقوق تضییع شده خود در نظر گرفتند. در ادامه به آرای دیوان و تفاسیر پویای آن از کنوانسیون پرداخته شده است.

تفاسیر دیوان اروپایی حقوق بشر در بحران پناهندگی اتحادیه اروپا

به اعتقاد دیوان، کنوانسیون یک معاهده قانون ساز است و باید به گونه ای تفسیر گردد که هدف و موضوع معاهده مذکور که همانا تضمین حقوق و آزادی های اساسی است، حفظ گردد و تا حد امکان دولت ها به تعهدات خود پایبند باشند (حسینی، ۱۳۹۷: ۹۴). از سوی دیگر، کشورهای عضو ملزم اند از مقررات اتحادیه اروپا در زمینه قانون پناهندگی تبعیت کنند. بدین ترتیب قدرت قانونی اتحادیه اروپا بر حقوق فردی پناهجویان افزایش یافته، و در نتیجه تعارضاتی بین سیاست پناهندگی اتحادیه اروپا و حقوق بشر رخ داده است. سیاست پناهندگی باید این تعارضات را شناسایی کرده و با توجه به قواعد و رویه های منطبق با حقوق بشر آنها را حل نماید. با توجه به ساختار ویژه نرم های حقوق بشر، مفاد حقوق بشر به سیاست پناهندگی اروپا در سطوح مختلفی مرتبط است. حقوق بشر به لحاظ حقوق فردی، محدودیت های واضحی را برای سیاست های پناهندگی کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد می کند و توسط دیوان در اشکال مختلفی تعریف می شوند (Bast et al., 2018: 2). طبق توضیحات ماده ۵۲ منشور حقوق بنیادین، کشورهای عضو باید به حقوق مشترک بین منشور حقوق بنیادین و کنوانسیون احترام بگذارند و آنان را رعایت کنند. (Explanations Relating to the Charter of Fundamental Rights, 2007: 35) در منشور حقوق بنیادین فهرستی از این حقوق، که بسیاری از آنان مربوط به حقوق پناهجویان است، درج شده که از جمله آن می توان به منع شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز در ماده ۳ کنوانسیون و ماده (۲) ۱۹ منشور، حق آزادی و امنیت مندرج در ماده ۵ کنوانسیون و ماده ۶ منشور، همچنین حق احترام به زندگی خانوادگی و شخصی در ماده ۸ کنوانسیون و ماده ۷ منشور و در نهایت منع اخراج دسته جمعی مقرر شده در ماده ۴ پروتکل ۴ کنوانسیون و ۴۸ منشور اشاره کرد (Lenart, 2012: 10). به دلیل اهمیت این موارد در ادامه به قضایای ارجاعی به دیوان در این خصوص پرداخته شده است.

۱. منع شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز

کنوانسیون سازوکاری پویاست و حمایت براساس آن باید مؤثر و کاربردی باشد. براساس ماده ۳ این کنوانسیون «هیچ کس نباید مورد شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار بگیرد» (European Convention on Human Rights, 1950: Article 3). از طرف دیگر براساس

مقررات دبلین ۳ اولین کشوری که اطلاعات پناه‌جو از طریق سیستم یوروداک در آن ثبت شود، مسئول بررسی درخواست پناهندگی آن پناه‌جوست. اگر پناه‌جو به کشور دیگری برود، کشور مقصد می‌تواند پناه‌جو را به کشور مسئول درخواست پناهندگی منتقل سازد (Regulation (EU) No.604/2013 of the European Parliament and of the Council, 2013: article 18(1)(a-b-c) & 19(1)). اما در صورتی که انتقال موجب نقض ماده ۳ کنوانسیون شود، انتقال ملغی می‌گردد. براساس نظر دیوان، کشورهای متعاقد برای هرگونه عواقب قابل پیش‌بینی انتقال طبق ماده ۳ حتی خارج از حوزه صلاحیتشان، مسئولیت دارند (ECtHR.14038/88, 1989: para86). اهمیت ماده ۳ کنوانسیون، دیوان را به سمتی رهنمون کرد که تعهدی را برای دول عضو در رابطه با ارزیابی کشور مسئول برای انجام انتقال به‌صورت یکپارچه ایجاد کند. بدین ترتیب برای احراز نقض ماده ۳ باید انتقال موجب خطر واقعی و شدید برای پناه‌جویان شود تا انتقال لغو شود. چنین خطری شامل شکنجه و رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز یا مجازات است، و در خصوص انتقال تفاوتی بین آنان نیست، زیرا این عمل انتقال است که مسبب یک یا مجموعه‌ای از این موارد می‌شود (ECtHR.14038/88, 1989: para86). در سال ۲۰۰۸ پرونده‌هایی که جنبه‌های خطرناک مقررات دبلین^۱ را به چالش می‌کشیدند، افزایش یافته بود. به‌خصوص در مورد تصمیمات کشورهای اروپایی برای انتقال پناه‌جویان به یونان، جایی که آنها بار اول از آنجا وارد اتحادیه اروپا شده بودند. پناه‌جویان مدعی بودند که طبق مقررات دبلین، هرچند یونان کشور مسئول بررسی درخواست پناهندگی آنان است، اما شرایط نامطلوب و غیرانسانی موجب رنج آنان شده است (ECtHR.32733/08, 2008: 14). از این رو درخواست پناه‌جویان، احراز نقض ماده ۳ کنوانسیون در صورت انتقال آنان به یونان بود. اما دیوان علیه مقررات دبلین حکم نداد، بلکه چهار ماه انتقال به یونان را در چندین پرونده به‌طور موقت برای بررسی بیشتر متوقف کرد (ECtHR.32733/08, 2008: 16). دیوان ابراز کرد که یونان باید به تعهدات خود بر مبنای سیستم پناهندگی مشترک عمل کند و انتقال به یونان ناقض حقوق بشر نیست (ECtHR.32733/08, 2008: 17-18). با ایجاد بحران پناهندگی، علی‌رغم پیش‌فرض دیوان به رعایت حقوق بشر و سیستم پناهندگی مشترک توسط یونان، در قضیه ام.اس.اس دیوان بیان کرد که اصرار بلژیک به بازگرداندن پناه‌جویان به یونان براساس مقررات دبلین ناقض ماده ۳ است (ECtHR.30696/09, 2011: para424(3)). دیوان پس از آشکار شدن اعمال غیرانسانی در انتظار پناه‌جویان در یونان، اعلام کرد که هرچند سیستم پناهندگی مشترک فشار زیادی به کشورهای مرزی اتحادیه اروپا از جمله یونان وارد کرده (ECtHR.30696/09, 2011: para223)، ولی یونان مکرراً ناقض ماده ۳ و دیگر مقررات کنوانسیون بوده است و انتقال به این کشور باید متوقف شود (ECtHR.30696/09, 2011: para

1. Council Regulation (EC) No.343/2003

(5), (3) 424. از جمله اعمال غیرانسانی می‌توان به بازداشت در شرایط غیربهداشتی و پرازدحام (para162: ECtHR.30696/09, 2011)، زندگی در خیابان برای ماه‌ها همراه با ترس از حمله و دزدی (paras169-170: ECtHR.30696/09, 2011)، زندانی شدن بلافاصله پس از پیاده شدن از هواپیما بدون مشخص شدن وضعیتشان (para176: ECtHR.30696/09, 2011) و احتمال بسیار پایین امکان ارائه درخواست پناهندگی در یونان (para 177: ECtHR. 30696/09, 2011) اشاره کرد. حکم دیوان در قضیه ام.اس.اس سه پیامد داشت؛ اول آنکه دولت‌های دیگر انتقال به یونان را متوقف کردند؛ دوم، برای چندین بار دیوان دادگستری اروپا در آرای خود به این حکم استناد کرد؛ سوم، پناهجویانی که با انتقال به دیگر کشورهای اروپایی وضع مشابهی داشتند، براساس این حکم، انتقال خود را به چالش کشیدند. در همین زمینه بود که مسئولان قضایی کشورهای همچون بلژیک متوجه تداخل بین سیستم پناهندگی مشترک و کنوانسیون شدند (Paras19-21: ECtHR.30696/09, 2011). در قضیه شریفی دیوان تصریح کرد که مقامات ایتالیایی زمانی که پناهجویان را در قایق‌ها بدون هیچ‌گونه رسیدگی قضایی زندانی می‌کردند و به یونان باز می‌گرداندند (Para2: ECtHR.16643/09, 2014)، به‌طور مکرر ماده ۳ را نقض می‌کنند. دیوان هشدار داد که این انتقال، پناهجویان را در معرض خطر اخراج از یونان به کشور مبدأ، به‌دلیل رد درخواست پناهندگی‌شان قرار خواهد داد (ECtHR.16643/09, 2014: Paras8-9). در قضیه تاراخل دیوان ابراز کرد که غیرانسانی بودن انتقال براساس مقررات دبلین محدود به یونان نیست و شامل ایتالیا نیز می‌شود ((2)143: Para ECtHR29217/12, 2014). در این قضیه دیوان آشکارا نگرانی خود را برای کودکان پناهجویی که در معرض آسیب حقوق بشری هستند، ابراز کرد (Para122: ECtHR29217/12, 2014). عنصر اصلی استدلال دیوان نبود مسکن مناسب در ایتالیا برای پناهجویان شبیه خانواده تاراخل و شش فرزند صغیرش بود (66 & 46: Paras ECtHR29217/12, 2014) و آنان را در معرض رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار می‌داد. دیوان تأکید کرد که سیستم پناهندگی مشترک باید از کنوانسیون استفاده کند. به این شکل که در صورت نقض قوانین حقوق بشری، سیستم پناهندگی مشترک خودبه‌خود کنسل می‌شود (Paras103-105: ECtHR. 29217/12, 2014). در نتیجه کشورهای اتحادیه اروپا به‌راحتی نمی‌توانند قوانین پناهندگی را به‌کار برند و باید آن را با کنوانسیون ارزیابی کنند، تا مشخص شود که آیا کاربردش سبب نقض حقوق بشر می‌شود یا خیر. دایره شمول کشورهای ناامن در آرای دیوان در حال افزایش بوده و علاوه بر یونان و ایتالیا، صربستان نیز کشور ناامن شناسایی شده است. پناهجویان زیادی هر روز از مرز مشترک صربستان و

۱. دیوان دادگستری اروپا در حکم خود در قضیه N.S. بیان کرد هیچ‌یک از دو کشور ایرلند و انگلیس نمی‌توانند پناهجویان را طبق مقررات دبلین به یونان باز گردانند. (ECJ. C-411/10 & C-493/10, 2011: Paras 88&98)

مجارستان از طریق خطوط راه آهن که سیم خاردار نداشت عبور می کردند. مجارستان در سال ۲۰۱۵ با احداث سیم خاردار به طول ۱۷۵ کیلومتر در مرز مشترک خود با صربستان، مانع عبور پناهجویان شد و پناهجویان را پشت سیم خاردار نگه داشت (سادات اخوی، حسنی، ۱۳۹۸: ۱۲۴۲). دیوان در قضیه الیاس و احمد متذکر شد که مجارستان با انتقال پناهجویان به صربستان ناقض ماده ۳ است، زیرا پناهجویان در صربستان از رفتارهای غیرانسانی رنج می برند (ECtHR.4728715, 2019: Para260(3)). از طرفی اگر پناهجو در صورت اخراج با خطر برخوردی شنیع و غیرانسانی روبه رو باشد، اخراج به تنهایی نقض ماده ۳ است و کشور اخراج کننده براساس کنوانسیون مسئولیت خواهد داشت (ECtHR.30261/17, 2020: Para43). موارد تصریح شده در ماده ۳ باید به نحوی آشکارا ایجاد خطر برای پناهجویان را روشن کند، تا بتوان آن را اهرمی برای لغو اخراج دانست. بدین ترتیب دیوان در قضیه آر.کی. به بررسی شواهد موجود در خصوص وضعیت کشورهای آفریقایی پرداخت و در نهایت ابراز کرد که اخراج و بازگرداندن پناهجویان به کشورهای آفریقایی که شواهد محکمی از خشونت در آنها وجود ندارد، ناقض ماده ۳ نیست (ECtHR.30261/17, 2020: Paras56-57). دیوان پس از بحران پناهندگی به سیستم پناهندگی مشترک ایراد وارد کرد و سبب شد تداخلات این سیستم با حقوق بشر آشکار گردد. دیوان آستانه شمول ماده ۳ را فراتر برده و بحران پناهندگی بر وخیم شدن اوضاع پناهجویان و در نتیجه افزایش دایره شمول نقض ماده ۳ نقشی انکارنشده داشته است.

۲. حق همبستگی مجدد خانواده

کنوانسیون در مورد حق زندگی خانوادگی و خصوصی مقرر می کند: «۱. هر کسی حق بهره‌مندی از زندگی خانوادگی و خصوصی را داراست. ۲. مقامات اجازه مداخله در این حق را ندارند، مگر اینکه مطابق قانون بوده و آن مداخله در یک جامعه دموکراتیک به سبب نظم عمومی، امنیت جامعه یا بهبود اوضاع اقتصادی کشور باشد یا جلوگیری از بی‌نظمی یا جرم، محافظت از سلامتی یا اخلاق، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد» (European Convention on Human Rights, 1950: Article8). ماده ۸، حفاظت از افراد در برابر رفتار خودسرانه مقامات عمومی است (شهبازی و مقدمی خمایی، ۱۳۹۸: ۱۹۲). با اینکه کنوانسیون حق ورود به اتحادیه اروپا را برای اعضای خانواده پناهجویان تصریح نکرده، ولی دیوان در دو پرونده مجزا بر طبق ماده ۸ این حمایت را ایجاد کرده است. در قضیه بولتیف، دیوان مجموعه‌ای از معیارهایی را برای بررسی درخواست همبستگی مجدد خانواده ایجاد کرد که از جمله آن می‌توان به «مدت اقامت فرد^۱» و «وضعیت

خانوادگی^۱» وی اشاره کرد (ECtHR. 54273/00, opinion of judges, 2000: para3). دو معیار دیگر نیز در پرونده اونا ذکر شده که شامل بهترین منافع کودک و نگهداری از آن، با توجه به مشکلاتی که کودکان احتمالاً در صورت اخراج به کشور مبدأ با آن مواجه خواهند شد و استحکام روابط خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی با کشور مقصدند (ECtHR.46410/99, 2005: Para58). از طرف دیگر ماده ۸ هیچ‌گونه الزام کلی برای پذیرش همبستگی مجدد خانواده ایجاد نمی‌کند (ECtHR.48321/99, 2003: para 94). براساس رویکرد سنتی دیوان، پناهجویان باید ثابت می‌کردند که با خطر جدی برای زندگی خانوادگی در کشور مبدأ روبه‌رو هستند و نمی‌توانند از حق زندگی خانوادگی در جای دیگری بهره‌مند شوند. حتی زمانی که پرونده مربوط به فرزندان باشد که متقاضی پیوستن به خانواده‌شان هستند (Carrera, Vankova, 2019: 10). با ایجاد بحران پناهندگی در سال ۲۰۱۱، دیوان وضعیت پناهجویان را حساس‌تر دانست و اصل را بر وضعیت آنان در کشور میزبان قرار داد. در قضیه یونسه، دیوان با در نظر گرفتن شرایط طفل صغیر مقیم هلند، اخراج مادر را ناقض ماده ۸ تشخیص داده است (ECtHR.12738/10, 2014: para123)، زیرا آن طفل صغیر حق بهره‌مندی از زندگی خانوادگی در کشور میزبان را دارد (ECtHR.12738/10, 2014: paras 118-119). دیوان در قضیه بیالو حکم داد که قوانین داخلی دانمارک به صورت تبعیض آمیزی قید تابعیت ۲۸ سال را برای جمع شدن مجدد خانواده مقرر کرده است و این شرط مغایر با بطن ماده ۸ است (ECtHR.38590/10, 2016: Paras138-139). دیوان در گذشته اگر زمان رسیدگی به شکایت، پناه‌جو نیازی به مراقبت خانوادگی نداشت و یا به سن قانونی رسیده بود، به شکایت ترتیب اثر نمی‌داد (ECtHR.56971/10, 2016: Para51). اما در قضیه ال قاتیت، با وجود رسیدن پناه‌جو به ۱۵ سالگی، فقط به این دلیل که دادگاه‌های داخلی در زمان رسیدگی، بهترین منفعت کودک را در نظر نگرفته بودند، حکم به نقض ماده ۸ داد (ECtHR.56971/10, 2016: Paras53-54). در قضیه عبدی ابراهیم، دیوان بر قانونی بودن مداخله در ماده ۸ تأکید مجدد می‌کند (ECtHR.15379/16, 2019: Para51) و معتقد است که تصمیم به جلوگیری از کفالت والدین برای کودک و اجازه فرزندخواندگی وی، ممانعت از حق والدین در بهره‌مندی از زندگی خانوادگی آنان است. این پرونده مشابه قضیه استرندلوبن^۲ است و همانند آن باید تا حد امکان، مقامات کشورهای اروپایی سعی در حفظ خانواده واقعی کودکان کنند و در صورت اختلاف هر دو والدین بر سر حضانت کودک باید بهترین منفعت کودک را مدنظر قرار دهند (ECtHR.15379/16, 2019: Paras52-54). در نتیجه، ممانعت از ارتباط والدین با کودک به دلایل غیرموجه، ناقض ماده ۸ است (ECtHR. 15379/16, 2019: Paras

1. His Family Ties

۲. برای مطالعه بیشتر رک:

ECtHR, *Strand Lobben and Others v. Norway* [GC], App. no. 37283/13, 2019

64-65). در قضیه اوزدیل نیز دیوان تصریح کرد، اخراج پناهجو از کشوری که اعضای خانواده‌اش در آنجا زندگی می‌کنند، همچنین نبود مدرک محکم برای قانونی بودن این اقدام، ناقض ماده ۸ است (ECtHR.14918/14, 2019: Paras60 & 72). بدین ترتیب دیوان با توسعه کاربرد ماده ۸ بعد از بحران پناهندگی، بر احترام به همبستگی خانواده پناهجویان تأکید کرده است.

۳. حق آزادی و امنیت

ماده ۵ کنوانسیون با عنوان حق آزادی و امنیت مقرر می‌دارد که «همه حق بهره‌مندی از آزادی فردی و امنیت را دارند. هیچ‌کس نباید از حق آزادی محروم شود، مگر موارد مقرر شده در قانون». بازداشت قانونی پناهجو باید به‌منظور ممانعت از ورود غیرمجاز وی به داخل کشور یا حکم اخراج یا استرداد وی به دولت متبوع، صورت گیرد (European Convention on Human Rights, 1950: Article5). به اعتقاد دیوان اقدامات خاصی که برای آزادی حرکت پناهجویان محدودیت ایجاد می‌کند، همیشه به معنای محرومیت از آزادی نیست. در واقع صرف نگهداری پناهجویان در مراکز پذیرش^۱ پناهندگی، محرومیت از آزادی تلقی نمی‌شود، مگر اینکه شرایط خاصی محقق شود (ECtHR. 61411/15, 61420/15, 61427/15 & 3028/16, 2019: para 138). به اعتقاد دیوان در قضیه امور، زندانی کردن اجباری پناهجویان در مراکز پذیرش منطقه ترانزیت فرودگاه به مدت ۲۰ روز محرومیت از آزادی تلقی می‌شود (ECtHR. 19776/92, 1996: Paras53-54). زیرا مدت زندانی کردن غیرمتعارف و طولانی بوده است. محرومیت از آزادی باید توجیه‌پذیر بوده و حکم آن مطابق قانون صادر و اجرا شده باشد. همچنین شرایط محرومیت از آزادی براساس قانون داخلی و بین‌المللی به‌روشنی باید تعریف گردد (ECtHR.3394/03, 2010: para80). دیوان بین‌المللی پناهجویان با افراد مظنون به ارتکاب جرم تمایز قائل شده و ابراز کرده که بازداشت پناهجویان باید با حسن نیت صورت گیرد، چراکه آنان به‌سبب حفظ جان خود از کشورشان فرار کرده‌اند (Ktistakis, 2013: 26). اما با این حال توسعه سیاست‌های اتحادیه اروپا تداخلات حقوق بشری با زندانی کردن پناهجویان را حل نکرده است. پس از بحران پناهندگی عملکرد مراکز پذیرش کشورهای عضو برای رسیدگی به درخواست‌های پناهندگی در نقاط مرزی، مورد شکایات زیادی قرار گرفت. در قضیه خلیفیا دیوان اظهار کرد که ایتالیا حق آزادی پناهجویان را به‌سبب نگهداری آنان در مراکز پذیرش لمپدوسا^۲ و عدم ارائه هیچ‌گونه اطلاعاتی به زندانیان برای جبران خسارت و اعتراض آنان نقض کرده است. دیوان تأکید می‌کند که حتی در زمان بحران پناهندگی هم، هرگونه محرومیت از آزادی نیازمند دادرسی و حق تجدیدنظرخواهی است و باید با بطن ماده ۵ تناسب داشته باشد. همچنین به‌سبب بازداشت پناهجویان در کشتی‌هایی که به سمت ایتالیا می

1. Reception Centre
2. Lampedusa

آمدند، و بررسی درخواست پناهندگی آنان درون کشتی که توسعه طبیعی مراکز پذیرش نامیده‌اند، بار دیگر ناقض ماده ۵ بوده‌اند (ECtHR.16483/12, 2016: Paras66-69). در واقع این اقدام حتی با هدف حمایت پناهجو، مصداق محرومیت از آزادی تلقی می‌شود (ECtHR.16483/12, 2016: Para71). دیوان در قضیه زد.آ. رویکرد گذشته خود را توسعه داد و مطرح کرد که رویکردش در ایجاد تمایز بین محدودیت برای آزادی حرکت و محرومیت از آزادی پناهجویان، باید عملی و واقع‌گرا بوده و با توجه به شرایط و چالش‌های حال حاضر باشد. این امر برای شناسایی حق دولت‌ها، براساس تعهدات بین‌المللی، به‌منظور کنترل کردن مرزهایشان و اقدامات آنها علیه پناهجویانی که محدودیت‌های مهاجرتی را دور می‌زنند، مهم است (ECtHR. para135, 2019: 3028/16 & 61427/15, 61420/15, 61411/15). در تعیین تمایز بین ایجاد محدودیت در آزادی حرکت و محرومیت از آزادی در زمینه بازداشت پناهجویان در مناطق ترانزیت فرودگاه و مراکز پذیرش برای شناسایی و ثبت‌نام پناهجویان، عواملی از جمله وضعیت شخصی پناهجویان و انتخاب‌های آنان، رژیم قانونی قابل کاربرد در کشور مربوط و اهداف آن، مدت زمان، به‌ویژه با توجه به اهداف و رویه‌های حمایت از پناهجویان، ماهیت و درجه محدودیت‌های واقعی تحمیل‌شده به پناهجویان، توسط دیوان باید مدنظر قرار بگیرند (ECtHR. 61411/15, 61420/15, 61427/15 & 3028/16, 2019: para 138). کشورها نمی‌توانند به بهانه بررسی درخواست پناهندگی مدت زمان طولانی پناهجویان را در یک منطقه نگه‌دارند و مانع دسترسی آنان به وکیل شوند (ECtHR. 61411/15, 61420/15, 61427/15 & 3028/16, 2019: para 195). از طرف دیگر قانونمندی محدودیت بر آزادی پناهجویان به‌ویژه هنگام اخراج و پذیرش اولیه پناهجویان در مناطق مرزی ضروری است. در قضیه الیاس دیوان برای اولین بار در مورد منطقه ترانزیت یا مرزی زمینی میان دو کشور عضو اتحادیه اروپا در رابطه با ماده (۱) اظهار نظر کرد (ECtHR.4728715, 2019: Para 219). دیوان اذعان کرد که محصور شدن مرکز پذیرش در منطقه مرزی با سیم خاردار و نگهبانی محافظان برای جلوگیری از ورود غیرقانونی به کشور مربوط، به دلیل وجود امکان بازگشت داوطلبانه به کشور مبدأ، محرومیت از آزادی محسوب نمی‌شود و نقض ماده (۱) نیست (ECtHR.4728715, 2019: Paras:232&249). در قضیه جی.بی. دیوان متذکر شد که حضور کودکان همراه والدینشان در مراکز پذیرش تنها در صورتی مغایر ماده (۱) نخواهد بود که مقامات ملی بتوانند ثابت کنند که این اقدام آخرین دستاویزی بوده که برای محدودیت بر آزادی وجود داشته است. همچنین تأخیر در اجرای حکم آزادی بدون دلیل موجه به‌منزله محرومیت از آزادی محسوب می‌شود و نقض ماده (۱) است (ECtHR.4633/15, 2019: Paras151&186). بنابراین دیوان با تفاسیر پویای خود، حوزه مصادیق محرومیت از آزادی را برای پناهجویان گسترش داد و بحران پناهندگی در توسعه حقوق بشر نیز تأثیرگذار بوده است.

۴. منع اخراج دسته‌جمعی

ماده ۴ پروتکل شماره ۴ کنوانسیون، اخراج دسته‌جمعی اتباع بیگانه را ممنوع کرده است^۱ (European Convention on Human Rights, Protocol no. 4, 1963: Article 4). دیوان در قضایای مختلفی این ماده را مورد استناد قرار داده است. در قضیه کونکا دیوان اعلام کرد که هرگونه اقدام اجباری نسبت به پناهجویان به‌عنوان یک گروه خاص برای ترک یک کشور نقض ماده ۴ محسوب می‌شود، مگر اینکه پرونده هر پناهجو به‌تنهایی مورد بررسی مستدل و عینی قرار بگیرد. اخراج دسته‌جمعی با وقوع دو عامل مصداق پیدا می‌کند، اول گروهی از پناهجویان به‌صورت دسته‌جمعی اخراج شوند و دوم، بدون بررسی انفرادی شرایط هر یک از آنان، مبادرت به اخراج صورت گیرد. طبق نظر دیوان در قضیه آندریک اگر چندین پناهجو حکم مشابهی برای اخراج دریافت کنند، در صورت امکان استدلال علیه اخراجشان توسط مقامات مسئول به‌صورت انفرادی، اخراج دسته‌جمعی رخ نداده است (ECtHR.51564/99, 2002: paras58-59). با این حال دیوان معیارهای مشخصی برای اخراج دسته‌جمعی تعیین نکرده است. اظهارات دیوان در ممنوعیت اخراج‌های دسته‌جمعی اهمیت زیادی برای تکامل سیاست‌های مرزی اتحادیه اروپا دارد. پس از بحران پناهندگی در قضایای مختلفی دیوان به ماده ۴ برای محکوم کردن سیاست‌های مهار دسته‌جمعی پناهجویان و به عقب راندن آنان تکیه کرده است. این سیاست شامل اخراج‌های سیستماتیک پناهجویان به محض رسیدن به قلمرو اتحادیه اروپا یا حتی پیش از رسیدن به آن است، که دسترسی به مراحل پناهندگی را غیرممکن می‌سازد. بدین ترتیب دیوان اخراج سیستماتیک پناهجویان به محض ورود به بنادر ایتالیا از یونان را در قضیه شریفی از مصادیق اخراج دسته‌جمعی پناهجویان دانست و ضمن اعلام نقض ماده ۴، این اقدامات را محکوم کرد (ECtHR.16643/09, 2014: Para242). در قضیه شیوش ویلی نیز همین عوامل را برای شناسایی نقض ماده ۴ پروتکل ۴ کنوانسیون مطرح می‌کند و عدم دسترسی به سازوکارهای جبران خسارت را به‌منزله عدم بررسی مستدل و فردی پناهجویان در نظر می‌گیرد (ECtHR.19356/07, 2016: para68). در قضیه هیرسی جاما دیوان برای اولین بار ماده ۴ پروتکل ۴ را در مورد اخراج پناهجویان در خارج از مرزهای یک کشور بررسی می‌کند (ECtHR.27765/09, 2012: Para169). دیوان ایتالیا را به‌دلیل ایجاد موانعی برای جلوگیری از ورود قایق‌های پناهجویان در آب‌های آزاد مدیترانه و بازگرداندن آنان به لیبی، محکوم می‌کند و آن را ناقض ماده ۴ پروتکل ۴ می‌داند (ECtHR.27765/09, 2012: Paras185-186). در تمام این قضایا، بررسی ناکافی وضعیت افراد متقاضی اثر زیادی در استدلالات دیوان داشته و همچنین بر عدم دسترسی پناهجویان به رویه‌های پناهندگی تأکید شده است. حکم قضیه

1. Collective expulsion of aliens is prohibited

هیرسی جاما منشأ جدیدی را برای ضمانت دسترسی پناهجویان به رویه پناهندگی در عمق استدلالات دیوان باز کرد. این حکم سبب شد که دولت‌ها ملزم شوند، علاوه بر پناهجویانی که به کشورشان رسیده‌اند، به پناهجویانی که از آب‌های آزاد نجات یافته‌اند نیز اجازه دسترسی به رویه‌های پناهندگی اعطا کنند. اما باید تعادلی بین ضمانت دسترسی به رویه‌های پناهندگی و کنترل مرزی مؤثر ایجاد کرد. بدین ترتیب در قضیه خلایفیا دیوان ابراز کرد که آگاهی از مشکلات عملی از هجوم یکباره پناهجویان و کنترل مرزی در کنار حفاظت از حقوق بشر و ضمانت‌های رویه‌ای پناهندگی سبب می‌شود، اخراج اتباع تونس از ایتالیا مصداق نقض ماده ۴ نباشد، زیرا پناهجویان از مصاحبه‌های فردی بهره‌مند بودند (ECtHR.16483/12, 2016: Paras215&241). در قضیه ان.دی. و ان.تی. دیوان بیان کرد که پناهجویان به صورت غیرقانونی وارد قلمرو اسپانیا شدند و از رویه‌های سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا بهره نبردند. به همین دلیل مشمول حقوق مندرج در کنوانسیون نیز نشده و امکان بررسی انفرادی پرونده‌های پناهجویان به دلیل رفتار خود آنان وجود نداشته است. در نتیجه دولت اسپانیا در قبال فقدان سازوکارهای جبران خسارت که از طریق آنها، پناهجویان بتوانند به حکم اخراج اعتراض کنند، مسئولیتی ندارد و مصداق اخراج دسته‌جمعی و نقض ماده ۴ نیست (ECtHR.8675/15 & 8697/15, 2020: Paras:242-244). بدین ترتیب پس از بحران پناهندگی در بحث اخراج دسته‌جمعی دیوان از یک سو با تأکید بر رعایت قوانین پناهندگی اتحادیه اروپا سعی در تحکیم این قوانین کرده و از سوی دیگر با افزایش حوزه شناسایی اخراج دسته‌جمعی به حمایت از پناهجویان پرداخته است.

توسعه تفاسیر دیوان از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بحران

پناهندگی اتحادیه اروپا

طبق نظر دیوان، کنوانسیون نسبت به سیستم پناهندگی مشترک، قاطعانه‌تر از پناهجویان حمایت می‌کند (Fullerton, 2017: 69). با وجود فقدان حق پناهندگی در کنوانسیون، دیوان در احکامش از بسیاری از پناهجویان حفاظت کرده و به آنها اجازه داده است تا در اروپا بمانند. دیوان در تفاسیرش بیان می‌کند که قوانین پناهندگی باید منطبق با حقوق بشر باشند. بدین ترتیب با توسعه تفسیر قضایی ماده ۳ کنوانسیون، حساسیت شناسایی آن را افزایش می‌دهد و تأکید می‌کند که پناهجویان در اروپا نمی‌توانند به کشورهایی که در آنجا با نقض ماده ۳ روبه‌رو هستند، انتقال داده شوند. با در نظر گرفتن تعداد زیاد پناهجویان جوان و جریان فزاینده کودکان بدون همراه، حساسیت دیوان به آسیب‌پذیری خاص این گروه افزایش یافته است. به همین دلیل در بحث زندانی کردن و همبستگی خانواده، اصرار دارد که طبق کنوانسیون،

شرایط فردی پناهجویان باید به صورت انفرادی حتی در مواقع بحرانی بررسی شود. این خود نشان از توسعه رو به جلو در تفاسیر دیوان از کنوانسیون دارد. از طرف دیگر، تأکید بر کنترل‌های قضایی بازداشت حتی هنگام بحران پناهندگی، روشن می‌سازد که هیچ‌گونه توجیهی برای اجتناب از بررسی‌های قضایی بازداشت پناهجویان پذیرفتنی نیست. دیوان تصریح می‌کند که حمایت مؤثر از حقوق بشر در سطوح ملی اتفاق می‌افتد، و با فشار به مرزهای حقوقی مندرج در کنوانسیون، حوزه این حمایت را گسترش می‌دهد (Harvey, Livingstone, 2000: 446). دیوان حوزه کاربرد کنوانسیون را برای پناهجویان توسعه داده و به آرامی شروع به توسعه تفاسیرش می‌کند تا به وسیله آنها، تأثیر احکام خود را بر قوانین پناهندگی و عملکرد دولت‌ها افزایش دهد. دیوان با گسترش حوزه منع اخراج دسته‌جمعی در مورد پناهجویان به خارج از قلمرو دولت‌ها، آنان را ملزم به تسهیل دسترسی پناهجویان به رویه‌های پناهندگی و احترام به حقوق بشر آنان حتی خارج از حوزه صلاحیتشان کرده است. دیوان نمی‌خواهد در حوزه پناهندگی با اشتباهات دولت‌ها همراه شود، بلکه از طریق تقویت رویکرد حمایت از حقوق بشر، به فرایند به حاشیه راندن پناهجویان حمله می‌کند (Harvey, Livingstone, 2000: 465). در نتیجه بحران پناهندگی را بستر مناسبی برای توسعه پویای تفاسیر خود از مواد کنوانسیون قلمداد کرده و حوزه حمایت از پناهجویان را گسترش داده است. روشن است در مواردی که قواعد حقوق بین‌الملل بخشی از سیستم حقوقی دول عضو را تشکیل می‌دهند، دیوان در اعمال حقوق بین‌الملل توسط دادگاه‌های داخلی همان حاشیه تفسیری را برای آنها قائل است که در زمینه اعمال و تفسیر حقوق داخلی قائل است (ممتاز و متوسل، ۱۳۹۵: ۸۶۹).

نتیجه‌گیری

دیوان از طریق ایجاد حمایت‌های اساسی برای پناهجویان در اتحادیه اروپا، مدافعی پرتلاش و ثابت از حقوق بشر پناهجویان است. به دلیل بی‌نظمی در سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا، دیوان علاوه بر مقدم دانستن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر این سیستم، در جهت حمایت بیشتر از حقوق بشر پناهجویان در آرای خود گام برداشته است. سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا با اولویت به منافع دولت‌های عضو تدوین شده و تداخلات آن با حقوق بشر در احکام دیوان نمایان شده است. پیش از بحران پناهندگی، دیوان تمایل چندانی به خدشه وارد کردن به سیستم پناهندگی مشترک اتحادیه اروپا نداشت. در واقع دیوان معتقد بر پایبندی سیستم پناهندگی مشترک بر حقوق بشر بود. با بروز بحران پناهندگی و افزایش نقض‌های حقوق بشر، دیوان به بدنه سیستم پناهندگی مشترک حمله کرده و در رویارویی با نقض‌های حقوق بشر، آن را به عقب رانده و اجرای آن را متوقف ساخته است. با بررسی تفاسیر

دیوان در چهار موضوع اصلی که بین سیستم پناهندگی مشترک و کنوانسیون یکسان است، در پاسخ به پرسش پژوهش به این مهم دست یافته شد که بحران پناهندگی برای دیوان مجالی فراهم کرد که سیستم پناهندگی مشترک را در عمل ورد ارزیابی کند و با نشان دادن کارایی محدود آن، تفاسیر پویای خود را توسعه داده و حوزه کارایی کنوانسیون را در قبال پناهجویان افزایش دهد. به همین دلیل دامنه مسئولیت کشورهای عضو را نیز گسترش داده و بر اهمیت و حساسیت احترام به حقوق پناهجویان تأکید کرده است. در نهایت دیوان در گسترش حوزه حقوق بشری بر این نکته تأکید می‌نماید که هرچند مواجهه با بحران پناهندگی برای دول عضو آسان نبوده، اما نقض‌های حقوق بشری را در این حوزه توجیه نخواهد کرد و دول عضو هنگام اجرای سیستم پناهندگی مشترک باید به حقوق بشر پناهجویان احترام بگذارند و در صورت احتمال نقض آن، اجرای سیستم پناهندگی مشترک را متوقف سازند. در واقع دیوان آستانه حساسیت را به اندازه‌ای بالا برده است که حتی احتمال نقض حقوق بشر هم سیستم پناهندگی مشترک را مختل خواهد کرد. به همین دلیل بود که بسیاری از پناهجویان به دیوان به‌عنوان آخرین ملجأ و پناهگاهشان مراجعه کردند و دیوان با عملکرد خوب و به‌موقع خود توانست در جهت احقاق حقوق بشر پناهجویان گام بردارد. توسعه پویای دیوان و گسترش حوزه شمول حقوق بشر، زمینه‌ساز تدوین پروتکل‌های جدیدی برای کنوانسیون و توسعه نظام اروپایی حقوق بشر خواهد بود، که خود نشان از اهمیت تفاسیر دیوان دارد.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. الوندی، زهرا؛ کیانی، داوود (۱۳۹۳)، «سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (از ۲۰۰۸ تاکنون)»، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره ۷، ش ۲۸، ص ۳۸-۳۷.
۲. بیات کمیته‌ی، مهناز؛ بالوی، مهدی (۱۳۹۶)، «روش حل تعارض حقوق فردی و منافع جمعی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۰، ش ۷۷، ص ۳۴۴-۳۱۹.
۳. حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۷)، «بررسی انتقادی آرای اخیر دادگاه اروپایی دادگستری و دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی مذهب در چارچوب دکترین حاشیه صلاحیت»، *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۱۰۳-۷۹.
۴. داشب، مهریار؛ مختارزاده، سعیده (۱۳۹۸)، «حمایت از زنان در برابر خشونت‌های جنسی و

- مبتنی بر جنسیت در بحران پناهندگی اروپا از منظر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۶۲، ص ۳۹-۷۰.
۵. سادات اخوی، سید علی (۱۳۸۴)، «پروتکل ش ۱۴ و اصلاح نظام نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰، ص ۲۲۸ - ۲۱۳.
۶. سادات اخوی، سید علی؛ حسنی، سارا (۱۳۹۸)، «وضعیت مهاجران سوری از دیدگاه حقوق بین الملل و ارزیابی عملکرد دولت‌های میزبان»، مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۹، ش ۴، ص ۱۲۴۸-۱۲۲۹.
۷. شهبازی، آرامش؛ مقدمی خمایی، نیلوفر (۱۳۹۸)، «حمایت از حق انسجام و همبستگی مجدد خانواده در چارچوب حقوق بین‌الملل پناهندگی: تأملی در رویه و نظریه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۳، ش ۳، ص ۲۱۲ - ۱۸۵.
۸. عبدی، ایوب؛ زمانی، سید قاسم (۱۳۹۶)، «پروتکل ش ۱۵ و اصلاح نظام اروپایی حقوق بشر»، حقوقی بین‌المللی، ش ۵۶، ص ۱۰۸-۸۵.
۹. فرخی، رحمت‌اله؛ رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ زمانی، سید قاسم (۱۳۹۴)، «نقش دیوان اروپایی دادگستری در توسعه وحدت حقوقی اتحادیه اروپا»، پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، ش ۴۹، ص ۸۳-۵۷.
۱۰. کدخدایی، عباسعلی؛ رستمی، ثریا (۱۳۹۸)، «چالش‌های حقوقی تعهدات انفرادی و مشترک دول عضو اتحادیه اروپایی در قبال پناهندگان و مهاجران»، مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۹، ش ۱، ص ۳۸-۲۳.
۱۱. محبی، محسن؛ سماوی، اسماعیل (۱۳۹۷)، «نقش رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر پویای معاهدات حقوق بشری»، حقوقی بین‌المللی، ش ۵۸، ص ۳۰-۷.
۱۲. ممتاز، جمشید؛ متوسل، سیروس (۱۳۹۵)، «حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۶، ش ۴، ص ۷۲-۵۵.
۱۳. میری لواسانی، سمیه سادات (۱۳۸۷)، «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مقایسه آن با برخی اسناد حقوق بشری»، حقوقی گواه، ش ۱۳، ص ۹۷-۸۹.

ب) اسناد

۱۴. کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان، سازمان ملل متحد (ژنوا ۱۹۵۱).

۲. انگلیسی

A) Books

1. Carrera, Sergio & Zvezda Vankova (2019), *Human rights aspects of immigrant*

and refugee integration policies: a comparative assessment in selected Council of Europe member states. Council of Europe, Strasbourg.

2. Ktistakis, Yannis (2013), *Protecting Migrants under the European convention on human rights and the European social charter.* Council of Europe, France, Paris.

B) Articles

3. Bast, Jürgen; Von Harbou, Frederik & Wessels, Janna (2018), "Human Rights Challenges to European Migration Policy (REMAP) ", *REMAP and Migration*, pp. 1-6.
4. Fullerton, Maryellen (2017), "Refugees and the Primacy of European Human Rights Law." *UCLA J. Int'l L Foreign Aff.* 21, pp. 45-69.
5. Harvey, Colin & Livingstone, Stephen (2000), "Protecting the marginalized: the role of the European Convention on Human Rights." *Northern Ireland Legal Quarterly* , Vol. 51, No. 3: pp.445-465.
6. Lenart, Joanna (2012), "Fortress Europe: Compliance of the Dublin II regulation with the European convention for the protection of human rights and fundamental freedoms", *Merkourios-Utrecht J. Int'l & Eur. L.* 28, pp.4-19.
7. Selivanov, Andrey & Liubou, Kravets (2016), "The International Asylum System: History of Formation and Contemporary Challenges.", *International Relations and Foreign Policy*, pp. 33-38.

C) Documents

8. Charter of Fundamental Rights of the European Union, 2000/C364/01, 2000, *Official Journal of the European Communities*, C 364/1.
9. Council Regulation (EC) No.343/2003, Establishing the criteria and mechanisms for determining the Member State responsible for examining an asylum application lodged in one of the Member States by a third-country national, 2003, *Official Journal*, L.050, P1-10.
10. European Convention on Human Rights, 1950, at "European Convention on Human Rights, as amended by Protocols Nos. 11 and 14, and supplemented by Protocols Nos. 1, 4, 6, 7, 12, 13 and 16", European Court of Human Rights, Council of Europe F-67075, Strasbourg CEDEX.
11. 'Explanations Relating to the Charter of Fundamental Rights', European Parliament, Council and Commission, 2007, OJ C 303/33.
12. Regulation (EU) No.604/2013 of the European Parliament and of the Council, (2013), Establishing the criteria and mechanisms for determining the Member State responsible for examining an application for international protection lodged in one of the Member States by a third-country national or a stateless person(recast), *Official Journal of the European Union*, L.180/31.

C) Cases

13. ECJ, Judgment of 21 December 2011, *N.S. & M.E. and others*, Joined Cases C-411/10 & C-493/10, ECLI:EU:C:2011:865.

14. ECtHR, *Abdi Ibrahim v. Norway*, App. no. 15379/16, (2019), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-199382>
15. ECtHR, *Amuur v. France*, App. No. 19776/92, (1996), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57988>
16. ECtHR, *BIAO v. Denmark*, App. no. 38590/10, (2016), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-163115>
17. ECtHR, *Boultif v. Switzerland*, App. No. 54273/00, (2000), at concurring opinion of judges Baka, Wildhaber and Lorenzen, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-59621>
18. ECtHR, *ČONKA v. Belgium*, App. No. 51564/99, (2002), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-60026>
19. ECtHR, *EL Ghatet v. Switzerland*, App. no. 56971/10, (2016), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-168377>
20. ECtHR, *G.B & other v. turkey*, App. no. 4633/15, (2019), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-196612>
21. ECtHR, *Hirsi Jamaa & Others V. Italy*, App. No. 27765/09, (2012), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-109231>
22. ECtHR, *Ilias & Ahmed v. Hungary*, App. no. 4728715, (2019), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-198760>
23. ECtHR, *JEUNESSE v. THE NETHERLANDS*, App. no. 12738/10, 2014, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-147117>
24. ECtHR, *K.R.S. v. United Kingdom*, App. No. 32733/08, 2008, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-90500>
25. ECtHR, *Khlaifia et al. v. Italy*, App. No. 16483/12, 2016, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-170054>
26. ECtHR, *Medvedyev and Others v. France* (GC), App. No. 3394/03, 2010, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-97979>
27. ECtHR, *N.D. & N.T. v. SPAIN*, App. nos. 8675/15 and 8697/15, 2020, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-201353>
28. ECtHR, *Ozdil & Others v. The Republic of Moldova*, App. no. 14918/14, 2019, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-193614>
29. ECtHR, *Shioshvili and Others v. Russia*, App. No. 19356/07, 2016, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-169650>
30. ECtHR, *Slivenko v. Latvia*, App. No. 48321/99, 2003, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-61334>
31. ECtHR, *Strand Lobben and Others v. Norway [GC]*, App. no. 37283/13, 2019, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-195909>
32. ECtHR, *Tarakhel v. Switzerland & Italy*, App. no. 29217/12, 2014, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-148070>
33. ECtHR, *ÜNER v. the Netherlands*, App. No. 46410/99, 2005, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-77542>
34. ECtHR, *Z.A. & Others v. Russia*, App. Nos. 61411/15, 61420/15, 61427/15 and 3028/16, (2019), at:

- [https://hudoc.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:\[%22001-198811%22\]}](https://hudoc.echr.coe.int/eng#{%22itemid%22:[%22001-198811%22]})
35. ECtHR, *R.K. v. RUSSIA*, App. no. 30261/17, 2020, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-196415>
36. ECtHR. *Sharifi & Others v. Italy & Greece*, App. No. 16643/09, 2014, at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=002-10215>
37. ECtHR. *Soering v. THE UNITED KINGDOM*, App. No. 14038/88, 1989), at: <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57619>

D) Websites

38. “Chart of signatures and ratifications of Treaty 005”, Council of Europe, Treaty Office, , at: <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list/-/conventions/treaty/005/signatures?pauth=h3qInPT> (last visited: 02/28/2020)
39. “European Court of Human Rights, Survey: Forty Years of Activity, 1959-1998”, (1998), Council of Europe, at: https://www.echr.coe.int/Documents/Survey_19591998_BIL.pdf (last visited: 2020-02-28),
40. “Our Member States”, Council of Europe, the council of Europe in brief, at: <https://www.coe.int/en/web/about-us/our-member-states> (last visited: 02/28/2020)
41. “Conditions for membership,” (2016), European Commission, at: https://ec.europa.eu/neighbourhood-enlargement/policy/conditions-membership_en (last visited: 02/28/2020)

